

«با اتحاد عمل در راه بسیج مردم»

آموزش از دور اول انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه برای ایران؟

دوره جدید: مقاله شماره: ۱۱ (۶ اردیبهشت ۱۳۹۶)
واژه‌ی راهنما: سیاسی-تئوری

نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران در سرمقاله‌ی افشاگرانه خود درباره‌ی نمایش انتخاباتی ۹۶ بر ضرورت «اتحاد عمل همه نیروهای چپ، ملی و دموکرات برای گذر از دیکتاتوری ولایی و حفظ حاکمیت ملی میهن ... [تاکید و] بسیج نیروهای اجتماعی را در به چالش کشیدن مجموعه حاکمیت» اجتناب ناپذیر ارزیابی می‌کند (شماره ۱۰۲۳، ۲۸ فروردی ۹۶).

نامه مردم موضع انقلابی خود را علیه «مجموعه‌ی نظام» ناشی از آن می‌داند، که «دیکتاتوری ولایی در حل بحران‌های فراروی کشور» ناتوان است. «شرایط عینی جامعه به نفع رژیم نیست و نیروهای چپ، دموکرات و میهنی می‌توانند با عمل متحدشان و با بسیج نیروهای اجتماعی به توسعه، نضج و ایجاد شرایط ذهنی در جهت به وجود آوردن تحول‌هایی مهم در جامعه یاری رسانند.»

از تجربه‌ی دور اول انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه (دیروز) می‌توان برای «ایجاد شرایط ذهنی در جهت به وجود آوردن تحول‌هایی» بنیادین در ایران دو نکته

آموخت:

نکته اول آن که باید به ایجاد قطب بندي در اندیشه ي حاکم بر جامعه دست يافت، تا "هژموني ايدئولوژي طبقات حاکم را در نبرد در سنگر شکست". به اين منظور بايد دو متضاد اصلي را در مرحله تاريخي شناخت و آن را به موضوع نبرد روزانه ي طبقاتي بدل ساخت. ژان-لوك ملانش، کاندیداي چپ در فرانسه که از پشتيباني حزب کمونيست اين کشور نيز برخوردار است، □ با طرح گذر از "جمهوري پنجم" و پايه گذاري جمهوري جديد به اين راه رفت و بيست درصد آرا را در برابر دستگاہ عظيم تبليغات دشمن طبقاتي و فشارهاي جنبي به دست آورد. اين تجربه را مي توان يك به يك به شرايط ايران منتقل نمود.

نکته دوم که مي توان و بايد از اين تجربه آموخت، افشاي مواضع سوسيال دمکراسي راستگرا است که حاضر نشد از ملانش پشتيباني کند، حتي آن هنگام که قطعي بود که کاندیداي انتخاب شده در راي گيري داخلي در حزب سوسياليسٲ آقاي اولاند، شانسي براي رسيدن به دور دوم ندارد. اين در حالي است که حتي بخشي از آراي 0 درصدي او مي توانست ملانش را به دور دوم انتخابات برساند.

با مورد پرسش قرار دادن «مجموعه ء نظام» اندیشه ي انقلابي پيوند و وحدت "آزادي و عدالت" اجتماعي را در روند پيش رو در ايران مستدل ساخته و مي تواند آن را در خدمت «بسيج نيروهاي اجتماعي براي توسعه، نضج و ايجاد شرايط ذهني» گذر از ديکتاتوري بدل سازد. اين نبرد، نبردي مدني و آزادي بخش است که بايد در سطح اقتصادي- اجتماعي، هنري و فرهنگي عملي گردد تا هژموني سلطه ايدئولوژي طبقات حاکم را بشکند و «ضد هژموني مردمی را از پايين ايجاد و سلطه ي آن را

برقرار سازد». (حزب کار بلژیک)

باید در مبارزات روشنگرانه- افشاگرانه و تبلیغی علت "ناتوانی" رژیم دیکتاتوری و نظام سرمایه داری وابسته به اقتصاد جهانی امپریالیستی را برای توده ها مستدل و قابل شناخت ساخت.

«رژیمی که به سرعت در موقعیتی دشوار و حتی خطرناک» در برابر تجاوزگری امپریالیسم قرار می گیرد و به علت سیاست ضد مردمی و ضد ملی خود فاقد پشتیبانی زحمتکشان و دیگر لایه های میهن دوست است، تسلیم پذیرترین رژیم در برابر سیاست تجاوزگری امپریالیسم است.

«بسیج نیروهای اجتماعی برای توسعه، نضج و ایجاد شرایط ذهنی» نیاز به دو عامل روشن و شفاف دارد:

اول- بهره گیری از همه اشکال مبارزه

سازماندهی نیروها بر پایه تلفیق مبارزه ی علنی و مخفی و به خدمت گرفتن امکان های داخل و خارج از کشور.

هر رفیق توده ای و هر مبارز یا گروه، باید با توجه کامل به امکان ها و شناخت های خود، در مبارزه روز و دراز مدت شرکت کند. ارتباط با رهبری حزب، با نامه مردم و دیگر امکانات مرکزیت حزب، باید با توجه به حفظ سلامت مبارزان عملی گردد.

دوم- ضرورت مبارزه با «کلیت نظام»

به کار گیری انتقادی و سازنده اندیشه انقلابی مبارزه با "کلیت واقعیت" در شرایط مشخص ایران بر پایه ی نظری و عملکردی زیر قرار دارد. گذر از رژیم دیکتاتوری و گذر از نظام سرمایه داری وابسته به اقتصاد جهانی امپریالیستی که بر ایران جمهوری اسلامی

حاکم است، از این رو از وحدت برخوردار است، زیرا شرایط سلطه سرمایه مالی امپریالیستی در جهان و ایران، تنها، راه رشد ملی- دموکراتیک را در مرحله کنونی در دستور تاریخ برای خلق ها قرار داده است. مبارزه با «کلیت نظام» مبتنی است بر دیالکتیک «تاریخی- ضروری».

راه رشد ملی- دموکراتیک (یا سوسیالیستی) را تجربه صد سال گذشته ی جنبش سوسیالیستی- کمونیستی، به مثابه یک «مرحله مستقل» رشد جامعه بشری به اثبات رسانده است. هر جامعه باید بر مبنای شرایط مشخص حاکم بر آن در لحظه ی تاریخی رشد خود، این راه را طی کند. در این زمینه در مقاله ای به مناسبت ۵۰ مین سالگرد تصویب قانون «اقتصادی نوین» در آلمان دموکراتیک، «مرحله مستقل» تعریف و شرایط آن در این کشور توضیح داده شده و همچنین دلایل ناکامی نهایی کوشش برای تحقق بخشیدن به آن نیز مورد بررسی قرار گرفته است (جهان جوان، ۱۹ آوریل ۲۰۷). (*)

این اشتباه ها به طور عمده بی توجهی به تغییر ضروری در برنامه ی تنظیم شده در حین عمل و نبود نرمش لازم در سرعت تحقق بخشیدن به آن قرار دارد. این که حزب کمونیست چین، فعلاً لااقل یک دوران بیش از ۵۰ سال را برای این مرحله در نظر دارد که برداشتی از نظر زمانی باز است، نشانی است از آموختن از چنین اشتباه ها. (در چند مقاله که در فهرست مقاله های اقتصادی قرار دارد، برخی دیگر از نکته ها در این زمینه طرح شده اند.)

برای مبارزه با «کلیت نظام»، آرایه یک «اقتصاد سیاسی» جانشین به جای برنامه نولیبرالیسم که برنامه ی رسمی همه دولت ها در جمهوری اسلامی است، ضروری است. در مبارزه ی روشنگرانه و افشاگرانه و تبلیغی، توضیح

ساختار کلي اين اقتصاد سياسي و برنامه اقتصاد ملي متکي به آن، جايي تعيين کننده داراست.

ساختار کلي اين اقتصاد سياسي، داراي دو عنصر مردمی-دموکراتیک و ملي- ضد امپرياليستي است.

اين اقتصاد سياسي از سه بخش تشکيل مي شود. بخش عمومي- دموکراتیک از شفافيت ساختاري و عملکردي برخوردار است و کنترل سازمان هاي مدني جامعه را بر شرايط حاکم بر آن ممکن مي سازد. بر اين پايه است که جريان هاي مافيايي قادر نخواهند بود با به ورشکست کشاندن ثروت هاي مردم و ملي، "خصوصي سازي" آن ها را طلب کنند. شيوه اي که در ايران توسط حاکميت نظام سرمايه داري عملي شد و بورژوازي بوروکراتیک- نظامي را به ثروت هاي نجومی رساند. در آلمان سال ها تعميرات اتوبان ها به علت به اصطلاح "کمبود بودجه" عملي نشد و اکنون برنامه خصوصي سازي اتوبان ها اعلام شده است.

در بخش اقتصادي، هدف "اقتصاد سياسي" مرحله ملي-دموکراتیک انقلاب، تجهيز امکان همه نيروهاي داخلي و ميهن دوست است.

اقتصاد در اين مرحله، همان طور که بيان شد، از سه بخش عمومي- دموکراتیک (دولتي)، خصوصي و تعاوني تشکيل مي شود. سرمايه داران مدافع منافع ملي و حق حاکميت کشور، در اين مرحله داراي وحدت منافع اند با طبقه ي کارگر که بدون شرکت فعال آن در توليد ملي، تحقق بخشیدن به اهداف اقتصادي- اجتماعي ممکن نيست. حق برخورداري طبقه کارگر از حقوق دموکراتیک و قانوني صنفی (سندیکاهاي آزاد) و سياسي (حزب طبقاتي)، پيش شرط براي شرکت فعال زحمتکشان در توليد ملي است. شرکت طبقه کارگر و نمايندگان آن در رهبري جامعه و شفاف

بودن عملکرد ارگان های دولتی، ضامن پیوند پیگیر
"آزادی و عدالت اجتماعی" در این مرحله است. رشد نسبی
"عدالت اجتماعی" پا به پای فرازمندی جامعه، به مقوله
ی "آزادی"، مضمونی دموکراتیک و عینی می بخشد. از این
طریق، کنترل و شفاف سازی روندهای اقتصادی ممکن گشته
و امکان سواستفاده های مالی- اقتصادی محدود می گردد.
سازماندهی اقتصاد در سطح محل و منطقه می تواند ضمن
صرفه جویی در منابع و تولید ذباله، نقش تعیین کننده
ای در شفاف سازی و کنترل مردمی اقتصاد ایفا سازد.
برای نمونه، تولید انرژی در منطقه از طریق نور
خورشید و باد و ...

عنصر ملی- ضد امپریالیستی در "اقتصاد سیاسی" این
مرحله، ضرورت دفاع بخش عمومی- دموکراتیک (دولتی)
اقتصاد را از بخش خصوصی و تعاونی اقتصاد قابل شناخت
و درک می کند. بدین ترتیب، وحدت منافع در سطح ملی در
مرحله ملی- دموکراتیک فرازمندی جامعه، تنها یک پدیده
ی ذهنی نبوده، بلکه از نیاز عینی رشد جامعه سیراب می
شود.

در چنین شرایط تاریخی است که مبارزه با تجاوزگری
امپریالیسم به ارزشی ملی و دموکراتیک برای همه
زحمتکشان و لایه های دیگر میهن دوست تبدیل و به اهرم
دفاع از حق حاکمیت ملی و استقلال کشور بدل می گردد.

ارایه تعریف علمی از "اقتصاد سیاسی" مرحله ملی-
دموکراتیک انقلاب و برنامه "اقتصاد ملی" مبتنی بر آن
وظیفه روز و اهرم بر "ای مبارزه علیه «نمایش
انتخاباتی» رژیم ولایی، از جمله در مرحله پیش رو است!
آن را به اهرم گذر از «کلیت نظام» بدل سازیم.

.....

(*) زنده یاد رفیق والتر اولبریش پایه گذار این قانون بود.

مخالفت حزب کمونیست اتحاد شوروی با این برنامه و "تحریم" عملی آن در ارسال مواد خام کافی برای رشته های الکتریکی، الکتروتکنیک و انفورماتیک، شیمی و ... که بنا به گفته برژنف به البریشت (۱۹۶۹) به علت «تغییرات ضروری نظامی در ارتش» عملی شد، در کنار اشتباه های درونی علل ناکامی نهایی تجربه بود.